

دیپلماسی علمی ایران در قفقاز جنوبی مطالعه‌ی موردی: جمهوری آذربایجان^۱

الهه کولایی*

عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

شیوا علی‌زاده

دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۲)

چکیده

در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد شوروی، جمهوری اسلامی ایران در همسایگی قفقاز جنوبی، تهدیدها و فرصت‌های جدیدی را تجربه کرده است. دگرگونی‌های مهم در صحنه جهانی و منطقه‌ای، شیوه‌ها و ابزارهای در اختیار سیاستگذاران برای تحقق منافع ملی را تحت تأثیر قرار داده است. اکنون نقش مؤثری که دیپلماسی علمی می‌تواند در دستیابی به اهداف سیاست خارجی ایفا کند، پذیرفته شده است. رقابت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران هم دیپلماسی علمی را به بخشی از سیاست قفقازی خود تبدیل کرده‌اند. در مقاله پیش‌رو در پی پاسخ به این پرسش هستیم که دیپلماسی علمی تاکنون چه نقشی در روابط ایران و جمهوری آذربایجان ایفا کرده است و در آینده چه سهمی می‌تواند در این روابط داشته باشد؟ فرضیه نویسندگان این است که با توجه به ظرفیت‌های مناسب و قابل‌توجه دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی ایران، دیپلماسی علمی جمهوری اسلامی ایران به‌گونه‌ای فعال در این منطقه شکل نگرفته است.

کلید واژه‌ها

دیپلماسی علمی، قفقاز جنوبی، ایران، جمهوری آذربایجان.

^۱. این مقاله بخشی از نتایج یک طرح پژوهشی است که با حمایت مرکز مطالعات و همکاری‌های علمی بین‌المللی - وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اجرا شده است.

مقدمه

اثرگذاری متقابل علم، فناوری و روابط بین‌الملل بر یکدیگر واقعیتی است که به‌گونه‌ای گسترده پذیرفته شده است. علم و فناوری نقش روزافزونی در کسب قدرت، نفوذ و سهم از بازارها ایفا می‌کند. موفقیت اقتصادی و رونق یک کشور بستگی به توانایی آن در دستیابی به منابع جهانی و جذب استعدادها و سرمایه‌ها دارد. فرآیند جهانی‌شدن اهمیت علم و فناوری را در روابط بین‌الملل و برای روابط بین‌الملل افزایش داده است. (Flink & Schreiterer, 2010: 665) همکاری علمی برای اعتمادسازی و نزدیکی جوامع به‌ویژه با فرهنگ‌ها و یا نظام‌های سیاسی متخاصم به شدت مورد نیاز است. همکاری علمی می‌تواند به عاملی مؤثر برای مدیریت منازعه و افزایش درک متقابل تبدیل شود و به توانمندسازی مناطق محروم جهان کمک کند. در شرایط کنونی جهانی شایسته است دیپلماسی علمی بیش از هر زمانی در سیاست خارجی ایران مورد توجه قرار بگیرد. قفقاز جنوبی یکی از مناطقی است که می‌تواند زمینه مناسبی در این زمینه برای کشورمان فراهم کند. ظرفیت‌های علمی و فنی پیشرفته ایران در مقایسه با بسیاری از جمهوری‌های پیشین شوروی و نیز در مقایسه با سایر همسایگان آنها، باید به منظور ایجاد فرصت‌های بیشتر در روابط با کشورهای قفقاز جنوبی به‌کار گرفته شود. این کشورها مانند سایر کشورهای به‌جامانده از اتحاد شوروی، با مشکلات بسیار ناشی از بی‌توجهی این ابرقدرت به توسعه پایدار روبه‌رو هستند. پیامدهای برخی از این دشواری‌ها به دلیل همسایگی و نزدیکی جغرافیایی گریبانگیر کشور ما هم می‌شود و تلاش مشترک برای مقابله با آنها ضروری است. عقب‌ماندگی شوروی در عرصه علم و صنعت، در واپسین سال‌های دوره جنگ سرد، دیگر میراث مشترک این کشورها است که هنوز باید کم و بیش با پیامدهای آن دست و پنجه نرم کنند. بسیاری از رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران به تأسیس مدرسه و دانشگاه و انواع همکاری‌های علمی با این کشورها مبادرت ورزیده‌اند تا تحقق اهداف گسترده‌تر سیاست خارجی خود را در بلندمدت آسان‌تر کنند. بنا بر این خوب است سیاست‌گذاران خارجی کشورمان بیش از گذشته رونق دیپلماسی علمی را در روابط با این منطقه در دستور کار قرار دهند. بدیهی است هر کدام از این کشورها نیز توانمندی‌های علمی خاصی برای تبادل با ایران دارند. توسعه همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه با دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی کشورهای قفقاز جنوبی می‌تواند برای هر دو طرف ثمربخش باشد. در این نوشتار تلاش می‌شود متغیر دیپلماسی علمی در روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان بررسی شود و راهکارهایی نیز برای رفع مشکلات و موانع همکاری و بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌های موجود در آینده پیشنهاد شود. فرضیه نویسندگان این است که با توجه به ظرفیت‌های مناسب و قابل توجه

دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی ایران، دیپلماسی علمی جمهوری اسلامی ایران به‌گونه‌ای فعال در این منطقه شکل نگرفته است.

۱. چارچوب نظری

فعالیت‌هایی که دولت‌ها برای خلق تصویری مطلوب از کشور خود در اذهان بیگانگان انجام می‌دهند، پدیده‌ی تازه‌ای نیست و قدمتی طولانی دارد. اما تصویرسازی حرفه‌ای در ورای مرزهای ملی پس از جنگ اول جهانی آغاز شد. رشنه نوپای سیاست بین‌الملل نیز به اهمیت آنچه که ما امروز «قدرت نرم» می‌خوانیم پی برد و ای اچ کار در کتاب بحران بیست ساله در کنار قدرت نظامی و قدرت اقتصادی به قدرتی که بر افکار اثر می‌گذارد اشاره کرد (Melissen, 2005: 4). قدرت به معنی توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران به منظور دستیابی به نتایج دلخواه است. راه‌های گوناگونی برای تأثیرگذاری بر رفتار دیگران وجود دارد. می‌توان دیگران را با تهدید، مجبور، با پاداش، تطمیع و یا به گونه‌ای جذبشان کرد که همان چیزی را بخواهند که شما می‌خواهید. قدرت سخت بر تطمیع (هویج) و تهدید (چماق) مبتنی است. اما گاهی می‌توان بدون این‌ها به مقصود رسید. اگر کشوری به دلیل ارزش‌هایی که ترویج می‌کند و سطح بالای رفاه و آزادی‌اش، از سوی کشورهای دیگر تحسین شود و آنها بخواهند از الگوی آن پیروی کنند، می‌تواند آسان‌تر اهدافش را محقق کند. عنصر مهم دیگر قدرت نرم، توانایی تعیین دستور کار سیاست بین‌الملل و شکل دادن به ترجیحات و انتخاب‌های دیگران است. این توانایی به دارایی‌های ناملموس مانند نهادها و ارزش‌های سیاسی و فرهنگ جذاب یک کشور و مشروع و اخلاقی جلوه دادن سیاست‌های آن مربوط است. ارائه ارزش‌هایی که دیگران مایل به پیروی از آنها هستند از سوی یک رهبر، هزینه رهبری را کاهش می‌دهد (Nye, 2004: 1 & 5). نای، منابع اصلی قدرت نرم را این گونه برمی‌شمارد (Nye, 2004: 11):

- فرهنگ یک کشور (بخش‌هایی از آن که برای دیگران جذاب است)،
 - ارزش‌های سیاسی یک کشور (که در داخل و خارج بر اساس آن‌ها عمل می‌کند)،
 - سیاست خارجی یک کشور (که به نظر مشروع و واجد اعتبار اخلاقی است)،
- ارزش‌هایی که یک حکومت در داخل (مانند دموکراسی)، نهادهای بین‌المللی (مانند همکاری با دیگران) و سیاست خارجی (مانند صلح و حقوق بشر) از آنها حمایت می‌کند، به گستردگی بر ترجیحات دیگر بازیگران اثر می‌گذارد. اما قدرت نرم به اندازه قدرت سخت در انحصار دولت نیست. فرهنگ هر کشور را می‌توان به دو شاخه هنر والا شامل هنر و ادبیات و هنر مردمی که

دربگیرنده جنبه‌های سرگرم‌کننده این پدیده است تقسیم کرد. فرهنگ مردمی ظرفیت زیادی برای تولید قدرت نرم و جذب مردم دیگر کشورها دارد، به‌ویژه در مواقعی که یک بستر فرهنگی مشابه و ارزشهای مشترک موجود است. البته موفقیت همه انواع قدرت به زمینه و بستر - چه کسی به چه کسی در چه شرایطی مرتبط است - متکی است. اما این عامل برای تحقق قدرت نرم بیش از قدرت سخت اهمیت دارد (Nye, 2004: 11 & 15). دولت‌ها از کنترل کامل عامل جذابیت عاجز هستند. قدرت نرم آمریکا بیشتر محصول هالیوود، دانشگاه هاروارد و مایکروسافت است. در واقع، جامعه مدنی، سرچشمه قدرت نرم به شمار می‌رود. شرکت‌ها، دانشگاه‌ها، بنیادها، کلیساها و سایر سازمان‌های مردم نهاد، هر کدام قدرت نرم خود را با اهداف توسعه می‌دهند که ممکن است گاهی در تقابل با اهداف سیاست خارجی یک کشور قرار بگیرد، اما در مجموع آنها کارگزاران مهم قدرت نرم کشورها هستند (Nye, 2004: 17). کاربرد قدرت نرم نیز به دلیل ناتوانی دولت‌ها در کنترل منابع اصلی آن دشوار است و اثرگذاری آن به پذیرندگی جوامع هدف بستگی دارد. علاوه بر این، معمولاً به شکل غیرمستقیم فضا را برای سیاست‌های دولتها آماده می‌کنند. بنابراین ممکن است دستیابی به نتایج دلخواه چندین سال طول بکشد. منابع قدرت نرم، هنگام به کارگیری، آهسته‌تر، پراکنده‌تر و طاقت‌فرساتر از منابع قدرت سخت هستند (Nye, 2004: 99 & 100). اما با دگرگون شدن سرشت قدرت، کاهش اهمیت زور و قدرت نظامی و عدم امکان کاربرد آن به دلیل پیشرفت تکنولوژی و نیز به دلیل اهمیت یافتن افکار عمومی، کشورها ناگزیرند برای تحقق اهدافشان به قدرت نرم روی بیاورند (Nye, 2004:20).

علم، منبع همان چیزی است که جوزف نای آن را «قدرت نرم» می‌خواند. جامعه علمی معمولاً به مسایلی فرامرزی می‌پردازد که دغدغه مشترک کشورها است. در صورت همسویی اهداف گسترده‌تر سیاست خارجی، این کانال‌های مبادله علمی می‌توانند به ائتلاف‌سازی و حل منازعه کمک کنند. همکاری در جنبه‌های علمی مسائل حساس - مانند عدم تکثیر سلاحهای هسته‌ای - می‌تواند راهی مؤثر برای رسیدن به سایر اشکال گفت‌وگوی سیاسی باشد (The Royal Society, 2010: vi). در دهه‌های اخیر بعد نرم قدرت ملی توجه سیاستگذاران بیشتر کشورها را به خود جلب کرده است. این واقعیت که رسوخ به قلب‌ها و مغزهای ملت‌ها زمینه‌ساز مهم پیشبرد منافع اقتصادی و سیاسی و امنیتی دولت‌ها است و تأمین این منافع را در بلندمدت تضمین می‌کند، به گستردگی پذیرفته شده است. دیپلماسی علمی نیز یکی از ابزارهای مهم در اختیار دولتها برای تحقق قدرت نرم است. در استفاده از این ابزار می‌توان از توانمندیهای بخش خصوصی بهره‌فروانی برد. دیپلماسی علمی با فراهم کردن امکان همکاری در حوزه‌هایی که از نظر

سیاسی حساسیت‌برانگیز نیستند می‌تواند به بهبود درک متقابل میان ملت‌ها کمک کند و در بلندمدت سوءتفاهم‌هایی را که مانع تحقق ظرفیت‌های موجود برای گسترش روابط می‌شوند برطرف سازد.

۲. نقش دیپلماسی علمی در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل

دیپلماسی علمی عبارت است از همکاری‌های علمی میان ملت‌ها به منظور مقابله با مشکلاتی که بشریت با آن مواجه است و نیز به منظور ایجاد مشارکت سازنده در سطح بین‌المللی. دانشمندان می‌توانند از راه‌های گوناگون به این فرآیند کمک کنند (Fedoroff, 2009: 9). دیپلماسی علمی می‌تواند دربرگیرنده شماری از تبادلات رسمی و غیررسمی فنی، تحقیق-محور و دانشگاهی باشد. «دیپلماسی علمی» به سه نوع فعالیت اشاره دارد:

- «علم در دیپلماسی»: علم می‌تواند فراهم‌کننده مشورت برای تدوین سیاست خارجی باشد.
 - «دیپلماسی برای علم»: دیپلماسی می‌تواند همکاری‌های علمی بین‌المللی را تسهیل کند.
 - «علم برای دیپلماسی»: همکاری علمی می‌تواند به بهبود روابط بین‌المللی بینجامد.
- فعالیت نوع سوم یعنی «علم برای دیپلماسی» به کاربرد علم به عنوان ابزار بهبود روابط تیره و تار بین کشورهای مختلف برمی‌گردد. موافقتنامه‌های همکاری علمی و کمیسیون‌های مشترک علمی ایالات متحده با اتحاد شوروی و چین نمونه‌هایی از این نوع فعالیت و نقش دانش و دانشمندان در دیپلماسی هستند (Committee on Global Science Policy, 2011: 27 & 38).
- در طول تاریخ بشر علم و فناوری ستون فقرات نوآوری را تشکیل داده و موتور محرکه توسعه اقتصادی بوده‌اند، اما تأثیر آنها در تعقیب دیپلماسی کمتر جدی بوده است (Zewail, 2010: 204). اغلب گفته می‌شود ویژگی دوران جنگ سرد، پارادیم انزوا و کنترل اطلاعات و نوآوری به دلیل ملاحظات امنیت ملی و اهداف تجاری شدن بود. امروزه این پارادایم جای خود را به «مشارکت و همکاری» داده است تا اکتشاف و نوآوری در علم و فناوری تشویق شود (Committee on Global Science Policy, 2011: 6). حتی در دوران جنگ سرد نیز با وجود تنش‌های سیاسی بین دو قطب، تعاملات اتحاد شوروی و ایالات متحده دربرگیرنده مشهورترین نمونه تاریخی پیوند بین علم و دیپلماسی بود (Turekian & Neureiter, 2012: 1). ماهیت جهانی علم و فناوری، سرعت توسعه و نشر آن‌ها، و میزان اهمیتشان در فهرست اولویت‌های ملی، هر روز کشورهای بیشتری را به سوی بازنگری در مؤلفه‌های بین‌المللی راهبردهای علمی سوق می‌دهد. یکی از نتایج این روند، تأکید بیشتر سیاستگذاران بر «دیپلماسی علمی» است (Turekian & Wang, 2014: 2).

از آنجا که دیپلماسی در معنای اولیه خود به عنوان ابزاری در دست حکومت‌ها شناخته می‌شود، دیپلماسی علمی نیز می‌تواند شیوه‌ای برای تعقیب دستور کار ملی تلقی شود، و یا به عبارت دیگر، یکی از مؤلفه‌های «قدرت نرم». دیپلماسی علمی از سوی دولت اجرا می‌شود و سیاستگذاری در مورد آن به عهده حکومت‌ها است. کارآمدی دیپلماسی علمی به همکاری و هماهنگی نهادهای دولتی با بخش خصوصی بستگی دارد (Committee on Global Science Policy, 2011: 25).

جهانی‌شدن فزاینده علم بدان معنا است که حمایت از تبادل علمی در سطح بین‌المللی به سرعت اهمیت بیشتری می‌یابد. شکل‌گیری توانمندیهای جدید علمی در کشورهایی خارج از جهان توسعه‌یافته ضرورت برقراری کانال‌های ارتباط علمی را برجسته‌تر می‌کند (Peter Berg, 2010: 70). پژوهشگران کشورهای پیشرفته هرچه بیشتر به همکاری با هم‌تایانشان در کشورهای در حال توسعه روی آورده‌اند و شاخص‌ها حاکی از ارتقای این همکاریها است. شمار مقاله‌های مشترک محققان از این دو گروه کشورها پیوسته در حال افزایش است (Wagner & Co-Authors, 2001: ix). در بسیاری از کشورها وزارتخانه‌های متولی علم و پژوهش هدایت روابط علمی بین‌المللی را به عهده گرفته‌اند. یکی از راه‌های افزایش ظرفیت دستگاه سیاست خارجی در تعقیب مسایل علمی، تربیت دیپلمات‌های متخصص در این زمینه است. در ایالات متحده این مهم از طریق گذراندن دوره‌هایی در انستیتوی سرویس خارجی محقق می‌شود که دیپلمات‌های مأمور در امور علمی، زیست‌محیطی و بهداشتی را آموزش می‌دهد. دانشکده‌های روابط بین‌الملل و سیاست خارجی نیز نقش مهمی در زمینه تربیت این دیپلمات‌ها می‌توانند ایفا کنند. اصول سیاست خارجی دائماً در حال تغییر هستند و انقلاب فناوری و ظهور گروه‌های جامعه مدنی در عرصه روابط بین‌الملل، دیپلماسی را پویاتر و غیرمتمرکزتر کرده است (Turekian, 2012: 3).

دیپلماسی علمی به معنای استفاده از همکاری‌های علمی در جهت گسترش و بهبود روابط بین‌المللی در رابطه با همسایگان اهمیت بیشتری می‌یابد. کشورهای همسایه معمولاً با دشواری‌های مشترکی روبرو می‌شوند که از واقعیت‌های جغرافیایی سرچشمه می‌گیرند و حل آن‌ها مستلزم همکاری‌های علمی است. از سوی دیگر همکاری‌های علمی با همسایگان می‌تواند زمینه‌ساز تربیت نسلی از تحصیلکردگان و نخبگان در کشورهای همسایه باشد که می‌توانند زمینه‌ساز نفوذ فرهنگی و فکری یک کشور و تحقق منافع آن در بلندمدت باشند. شناسایی ضعف‌ها و نیازهای علمی و فنی کشورهای همسایه و نیز توانمندی‌های آن‌ها در این زمینه‌ها می‌تواند در تدوین یک راهبرد مؤثر دیپلماسی علمی نقش مؤثری ایفا کند. در جایی که رقبای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای یک کشور برنامه‌ریزی دقیقی برای استفاده از دیپلماسی علمی در کشورهای هم‌جوار آن دارند، بی‌اعتنایی به

این ابزار مهم می‌تواند به از دست رفتن فرصت‌های اقتصادی و سیاسی بی‌شمار و صدمات جبران‌ناپذیر به منافع ملی بینجامد.

۳. روابط ایران و جمهوری آذربایجان پس از فروپاشی

حضور ایران در قفقاز جنوبی و روابط آن با همسایگان در این منطقه، به صورت کلی محدود بوده است. به جز دولت ارمنستان که تهران روابط نزدیکی با آن دارد، روابط با جمهوری آذربایجان و گرجستان تا حد مطلوب فاصله زیادی دارد. در حالی که ظرفیت گسترش روابط با جمهوری آذربایجان قابل توجه است (عطایی، ۱۳۹۱: ۱۳۴ و ۱۳۳). جمهوری آذربایجان که در یکی از حساس‌ترین مناطق ژئوپلیتیک جهان یعنی قفقاز جنوبی واقع شده است، از زمان به قدرت رسیدن حیدر علی‌اف تا امروز، همواره تلاش کرده در رابطه با همسایگان بزرگش جانب احتیاط را نگهدارد. و توازن در سیاست خارجی و تلاش برای برقراری تعادل بین غرب، روسیه، ترکیه و البته ایران را در پیش بگیرد. «سیاست خارجی متوازن» از نظر باکو تنها راه حفظ استقلال و حاکمیت در موقعیتی است که جغرافیا به این کشور تحمیل کرده است. با این حال، در روابط ایران و جمهوری آذربایجان ناهموازی‌ها و بی‌نظمی‌هایی وجود داشته است (Alili, 2015: 2). تأثیرگذاری طرف‌های سوم (روسیه و ایالات متحده) بر روابط ایران و جمهوری آذربایجان بارها بر منافع کشورمان تأثیر سوی خود را بر جای گذاشته است. جلوگیری از حضور شرکت‌های ایرانی در کنسرسیوم شکل‌گرفته در پی انعقاد قرارداد قرن به دلیل فشارهای آمریکا، و توافق روسیه با جمهوری آذربایجان و قزاقستان در مورد تقسیم دوفاکتوی بخش شمالی دریای خزر (کولایی و علی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۸۲) و خنثی کردن توافق تهران از سوی روسها در هنگام جنگ قره‌باغ مثالهای چنین تأثیر ناخوشایندی هستند. روابط سیاسی ایران و جمهوری آذربایجان همواره تحت تأثیر پیوند استراتژیک جمهوری آذربایجان با ایالات متحده، ترکیه و اسرائیل و نیز اختلاف در مورد رژیم حقوقی دریای خزر قرار داشته است. سرشت روابط سیاسی دو کشور حتی مانع گسترش روابط اقتصادی شده است. حتی اشتراک‌های زبانی و فرهنگی که در سرشت خود منفی نیست به دلیل نقش منفی آمریکا و اسرائیل و وجود جریان‌های تجزیه‌طلب نقشی منفی یافته است (کولایی، ۱۳۸۹: ۸۷).

پس از استقلال جمهوری آذربایجان در پی فروپاشی اتحاد شوروی، روابط ایران با جمهوری آذربایجان در مسیری پرفراز و خیز افتاد. اگرچه موضوع قومیت عامل مهمی نیست، با این حال بر روابط دو کشور تأثیر گذاشته است. جمهوری آذربایجان، همانند سایر دولت‌های جدید

آسیای مرکزی و قفقاز در فرایند ملت‌سازی قرار دارد. این فرایند نیازمند تأکید ذهنی و معنوی بر ویژگی‌های قومی، زبان و فرهنگ متفاوت از دیگران است. به این ترتیب، طبیعی به نظر می‌رسد که مردم کشور نواستقلال جمهوری آذربایجان، به ملیت برآمده از قومیت آذری خود گرایش پیدا کنند (عطایی، ۱۳۹۱: ۱۲۶-۱۲۴). در واقع، تاریخ گواهی می‌دهد که شکل‌گیری هویت مستقل در جمهوری آذربایجان از ابتدا به شدت تحت تأثیر تلاش استالین برای جداسازی این منطقه از نفوذ فرهنگ و تمدن ایرانی بوده است (کولایی، ۱۳۸۹: ۴۳۶). البته، با سقوط ایلچی‌بیگ دوران سیطره ملی‌گرایی افراطی بر ایدئولوژی دولت و دامن زدن به هویت ترکی در تضاد با هویت ایرانی از سوی مقام‌ها پایان یافت و ملاحظات عمل‌گرایانه جای این دیدگاه‌ها را گرفت (Tokluoglu, 2005: 731 & 732). در واقع، تا اواسط سال ۱۹۹۳، جهت‌دهی سیاست خارجی به سمت ترکیه بود و روابط با ایران و روسیه به تنش دچار شد. جمهوری آذربایجان در روابط با آمریکا و اروپا هم راهبرد مشخصی نداشت. تنها در اواسط سال ۱۹۹۳ بود که منافع حقیقی جمهوری آذربایجان درک شد، رهبری دولت بر سیاست خارجی برقرار شد، سیاست بین‌المللی این کشور در قالب‌های حقوقی شکل گرفت و سازوکار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی تدارک دیده شد (مهدی‌اف، ۱۳۹۰: ۱۶۲). عمل‌گرایی سبب شده است دولت جمهوری آذربایجان مدعی ایدئولوژی آذربایجانیسم باشد یعنی تأکید بر هویتی کثرت‌گرا و دربرگیرنده گروه‌های قومی متنوع. از آنجا که جمهوری آذربایجان جامعه‌ای متشکل از اقوام گوناگون است. ترک‌ها، تالشی‌ها، لزگی‌ها، روس‌ها و حتی ارامنه بر اساس این خوانش می‌توانند آذربایجانی تلقی شوند. بر این اساس ملت آذربایجان دربرگیرنده مردمی است که در خاک کنونی جمهوری آذربایجان زندگی می‌کنند (Tokluoglu, 2005: 735-745). دولت جمهوری آذربایجان پیوند با خانواده بزرگ ترک‌زبانان را انکار نمی‌کند اما آن را با گفتمان منحصر به فرد بودن آذربایجانی محدود می‌کند (Marquardt, 2011: 184 & 186). در واقع کارکرد اصلی آذربایجان‌گرایی خلق هویتی است که از یک سو به دلیل نگرانی از رویکرد برادر بزرگتر، جدا از ترک‌گرایی ترکیه باشد. از سوی دیگر از هویت شیعی ایرانی جدا و حتی در تقابل با آن باشد.

به گفته رامیز مهدی‌اف سیاست منطقه‌ای جمهوری آذربایجان از دو وجه برخوردار است: وجه اول عبارت است از ایجاد شرایط مطلوب جهت گسترش همکاری‌های متقابل با کشورهای همسایه از جمله گرجستان، ایران، روسیه و ترکیه. دومین وجه عبارت است از توسعه مناسبات با کشورهای غربی و نهادهای اورواتلانتیکی. وی می‌افزاید که به دلیل برخورداری جمهوری آذربایجان از مردمانی مسلمان لزوم گسترش مناسبات با کشورهای اسلامی نیز باید مورد تأکید ویژه قرار بگیرد

(مهدی‌اف، ۱۳۹۰: ۱۸۳). به نظر می‌رسد پس از توافق هسته‌ای بین ایران و قدرت‌های بزرگ و رفع تدریجی تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، جمهوری آذربایجان و ایران بخت آن را یافته‌اند تا تغییری بنیادین در سرشت روابط دوجانبه ایجاد کنند و بر مناسبات آلوده به سال‌ها سوءظن غالب شوند. جمهوری آذربایجان تمایل دارد به سکویی برای معاملات اقتصادی ایران و اروپا و گذرگاهی برای انتقال نفت و گاز ایران به بازارهای غرب تبدیل شود. ایران و جمهوری آذربایجان که به سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش تجارت منطقه‌ای به شدت نیاز دارند پس از یک دهه سردی روابط، اکنون به دنبال گسترش همکاری‌های اقتصادی هستند (Ismailzade, Feb. 2016).

به طور کلی سیاست ایران در قفقاز و در آسیای مرکزی بر اساس محدودیت‌های داخلی کشور و منافع و رویارویی‌هایش در ورای این مناطق، از جمله با روسیه و ایالات متحده، بنا نهاده شده است. سیاست‌های تهران در قفقاز در اساس توسط ملاحظات مادی و نه ایدئولوژی هدایت می‌شوند. حساسیت ایالات متحده به ایران و رقابت آمریکا و روسیه در منطقه، نقش مؤثری در جلوگیری از اجرای بسیاری از توافقات ایران و کشورهای قفقاز جنوبی داشته است. روابط با این کشورها می‌تواند عمیق‌تر و گسترده‌تر از ساختن جاده‌های ناتمام و معامله انرژی باشد. با وجود اهمیت قفقاز برای منافع و امنیت ملی ایران، جمهوری اسلامی به عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای در مورد همسایگان شمالی‌اش سیاست خارجی فعالی در پیش نگرفته است (Koolae & Hafezian, 2010: 408).

کشورهای قفقاز جنوبی در مقایسه با سایر حوزه‌های هم‌جوار کشورمان از هنگام فروپاشی شوروی تاکنون جایگاهی در خور در دستور کار سیاست خارجی ایران نیافته‌اند. نقش کم‌رنگ کنونی ایران در منطقه به هیچ وجه با واقعیت‌های تاریخی، جغرافیایی، و اقتصادی هم‌خوانی ندارد. سیاست خارجی ایران در این منطقه بیشتر انفعالی و در پی دفع تهدیدهای احتمالی، و کمتر فعال و در جست‌وجوی خلق فرصت‌های تازه بوده است. جمهوری آذربایجان در روابط خود با ایران برای بعد ترانزیتی و اقتصادی اهمیت قائل است. موقعیت جغرافیایی این کشور موجب می‌شود ایران به گزینه‌ای اجتناب‌ناپذیر برای تأمین منافع اقتصادی آن تبدیل شود. بدیهی است که با تدوین یک راهبرد دقیق برای گسترش مناسبات اقتصادی و ایجاد مشوق‌های لازم، منافع دو کشور را هر چه بیشتر به هم گره زد و بر تأثیرگذاری منفی و کارشکنی‌های طرف‌های سوم و نگرانی‌های امنیتی فائق آمد و به نقشی شایسته جایگاه ژئوپلیتیکی ایران در منطقه دست یافت. غلبه عمل‌گرایی بر سیاست خارجی ایران و بی‌علاقگی کشورمان به بی‌ثبات‌سازی همسایگان واقعیتی است که باید به

خوبی برای مقام‌های جمهوری آذربایجان که ذهنیتی امنیتی دارند، روشن شود. البته تا امروز هم موفقیت‌هایی در این زمینه به دست آمده است.

۴. دیپلماسی علمی در روابط دو کشور

همکاری‌های علمی ایران و جمهوری آذربایجان با وجود ظرفیت‌های مناسب و نیاز هر دو کشور به گسترش این نوع همکاری‌ها هرگز از رونق کافی برخوردار نشده است. البته از نخستین سال‌های پس از فروپاش تا امروز تلاش‌هایی در این مسیر صورت گرفته و توافقی‌هایی انجام شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. بیشتر دانشگاه‌های جمهوری آذربایجان (۲۳ دانشگاه) و ۱۱ دانشگاه و مؤسسه آموزشی ایران از جمله دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه الزهراء، دانشگاه تبریز، دانشگاه فنی سهند، دانشگاه محقق اردبیلی، دانشگاه آزاد مرند، عضو اتحادیه دانشگاه‌های قفقاز هستند. این اتحادیه با ابتکار کشورهای ترکیه و گرجستان با هدف اولیه بهره‌برداری از میراث مشترک کشورهای همسایه در جغرافیای قفقاز تأسیس شد تا آینده این منطقه در پرتوی کارهای آکادمیک صورت گرفته در حوزه‌های زبان، فرهنگ، تاریخ، هنر، اقتصاد، و آموزش روشن شود، با توجه به اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه امکان گفت‌وگویی بین‌فرهنگی فراهم، سمپوزیوم‌ها و سمینارهای همکاری‌جویانه و فعالیت‌های هنری و ورزشی برگزار شود، و برنامه‌های دیگری مانند تبادل دانشجوی، آموزش زبان، اشاعه فرهنگ فولکلور و پروژه‌های پژوهشی مشترک اجرا شود (Caucasus University Association, 2016/08/23).

در سال ۱۹۹۶ اتاق‌های ایران در دانشگاه‌های باکو و خواجه نصیرالدین طوسی جمهوری آذربایجان، اتاق بخش ایران در دانشکده خاورشناسی دانشگاه دولتی باکو و دانشکده ادبیات فارسی دانشگاه علوم تربیتی خواجه نصیرالدین طوسی آذربایجان با هدف گسترش روابط علمی و فرهنگی میان مراکز آموزش عالی ایران و آذربایجان و نیز کمک به مراکز آموزش زبان فارسی در این کشور افتتاح شد. در نوامبر ۱۹۹۶ هم ۲۲ دانشجوی آذربایجانی برای ادامه تحصیل در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، در رشته‌های ادبیات، الهیات و پزشکی و حقوق به ایران اعزام شدند (کولایی، ۱۳۸۹: ۹۵). توافق‌نامه همکاری میان دانشگاه علوم پزشکی تهران و دانشگاه طب جمهوری آذربایجان نیز به امضا رسیده است. رئیس بخش میکروبیولوژی دانشگاه طب جمهوری آذربایجان که به ایران آمده بود این تفاهم‌نامه را به نمایندگی از این دانشگاه امضا کرد. به گزارش مرکز فرهنگی قفقاز، به نقل از ترند، ایران و جمهوری آذربایجان توافق‌نامه همکاری علمی در زمینه‌های پزشکی امضا کردند. (حقایق قفقاز، ۱۳۹۲/۸/۳۰) جمهوری اسلامی ایران آماده توسعه همکاری‌ها با

جمهوری آذربایجان در زمینه‌های مختلف از جمله ایجاد پارک‌های مشترک علم و فناوری است. (دیپلماسی علم و فناوری، ۱۳۹۳/۱۲/۵) نمایندگی جامعه المصطفی در جمهوری آذربایجان در سال‌های اخیر در بخش آموزش اقدام‌هایی چون هدایت و حمایت از ۷ مدرسه در ۶ شهر جمهوری آذربایجان، گرفتن موافقت اصولی برای هفت حوزه از معاونت آموزش، مساعدت برای راه‌اندازی حوزه علمیه امام زمان (عج)، ساماندهی اساتید اعزامی و بومی، برگزاری دوره کوتاه‌مدت برای دانش‌افزایی اساتید و تلاش در جهت ارتقاء سطح تحصیلی و حوزه‌های علمیه موجود را در دستور کار خویش قرار داده است. همچنین این نمایندگی در امر پژوهش با ترجمه و تالیف کتب درسی مورد نیاز جامعه علمی جمهوری آذربایجان در حوزه قرآن، حدیث، کلام، تاریخ، فقه، احکام، عقاید و اخلاق اسلامی و همچنین گرفتن مجوز چاپ از کمیته دینی جمهوری آذربایجان توانسته است گام‌های علمی خوبی بردارد. نمایندگی المصطفی در جمهوری آذربایجان در امور تربیتی نیز فعال بوده و با حمایت از دارالقرآن‌های مدارس پیوسته، حمایت از مدرسان قرآن و معارف در خارج از مدارس، برگزاری مسابقات قرآنی بین مدارس، مساعدت در تهیه قرآن برای کلیه کلاس‌های قرآنی، برگزاری مراسم دینی در مدارس و برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی قرآنی برای زنان مدرس قرآن توانسته سهم به‌سزایی در رشد و تربیت قرآنی افراد ایفا کند. (جامعه‌المصطفی، ۱۳۹۳/۴/۲۹). البته، در سال ۱۹۹۲، دولت جمهوری آذربایجان، دانشگاه اسلام را با هدف تربیت نسل جدید روحانیون و کاهش نیاز به اعزام دانشجویان به منظور تحصیلات مذهبی به خارج از کشور تأسیس کرد (Motika, 2001: 117).

با اینکه در ایران بازار مؤسسه‌های اعزام دانشجویان به کشورهای هم‌سود از جمله جمهوری آذربایجان گرم است، اما کشور ما به مقصد جذابی برای دانشجویان این کشور تبدیل نشده و تبلیغات کافی در مورد جایگاه علمی ایران و ظرفیت‌های دانشگاه‌های کشور برای مردم جمهوری آذربایجان صورت نگرفته است. شماری از دانشجویان ایرانی در آکادمی انرژی اکو در باکو در دوره دکتری مشغول به تحصیل شده‌اند (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۰/۷/۲). در حال حاضر ۲۶۸ دانشجو ایرانی مشغول به تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی جمهوری آذربایجان هستند (ایرنا، ۱۳۹۴/۱۲/۱۹).

نام کشور	ارمنستان	جمهوری آذربایجان	گرجستان
تعداد دکتری	۲	۵	۱
تعداد کارشناسی ارشد	۳	۱۴	۱
تعداد کارشناسی	۰	۴۵	۰
تعداد غیربورسیه	۰	۱۰	۰
تعداد زن دانشجو	۳	۱۷	۰
تعداد مرد دانشجو	۲	۴۷	۲
تعداد اخراجی	۰	۱۲	۰
تعداد انصرافی	۱	۳۵	۷
تعداد دانش - آموخته	۱۰	۵۰	۶
تعداد دانشجوی درحال تحصیل	۵	۶۴	۲

شمار دانشجویان کشورهای قفقاز جنوبی در ایران بر اساس اطلاعات به دست آمده از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در شهریور ۱۳۹۵ (آمار دانش‌آموختگان و دانشجویان انصرافی و اخراجی مربوط به شش سال اخیر و سایر ارقام مربوط به دانشجویان شاغل به تحصیل در حال حاضر است).

با توجه به واقعیت‌های موجود مانند تفاوت + قابل توجه سبک زندگی در جمهوری‌های سکولار پسا شوروی با ایران، برخوردار نبودن ایران از یک راهبرد و برنامه منسجم در جهت جذب دانشجویان خارجی و استقبال نکردن جوانان جمهوری آذربایجان از ایران به شکل گسترده به‌عنوان گزینه‌ای برای ادامه تحصیل به دلایل مختلف تاکنون، به نظر نمی‌رسد کشور ما به آسانی و در کوتاه‌مدت بتواند در صدر اولویت‌های جوانان آذری برای ادامه تحصیل در خارج قرار بگیرد. اما آنچه بیشتر باید مورد توجه قرار بگیرد تعریف پروژه‌های تحقیقاتی مشترک، تبادل اساتید دانشگاه و متخصصان، برگزاری فرصت‌های مطالعاتی و یا دوره‌های بازآموزی کوتاه مدت، و تبادل تجربیات در زمینه حل مشکلات زیست‌محیطی، بهداشتی و درمانی، و نظایر آنها است. شناساندن توانمندی‌های کشورمان به جمهوری آذربایجان به‌ویژه در حوزه‌های غیرحساسیت‌زای پزشکی، فنی و علوم پایه اهمیت زیادی در موفقیت دیپلماسی علمی خواهد داشت.

۵. فعالیت‌های رقبا

روس‌ها که با دو قرن سیطره بر قفقاز، نخستین کارگزاران انتقال ایده‌های جدید به این منطقه بوده‌اند و در ایجاد نظام آموزشی جدید و تأسیس دانشگاه در جمهوری آذربایجان کنونی نقش اساسی داشته‌اند، هنوز هم بازیگری پر اهمیت در عرصه همکاری‌های آکادمیک با این کشور به شمار می‌روند. شمار به نسبت زیادی از مؤسسه‌های آموزش عالی روسیه در باکو شعبه دارند: دانشگاه آزاد دولتی مسکو، مؤسسه علوم انسانی جنوب روسیه، دانشگاه دولتی داغستان، مؤسسه روابط اقتصادی خارجی، اقتصاد و حقوق سن‌پترزبورگ، تأسیسات آموزشی شعبه دانشگاه آزاد اجتماعی مسکو در دربند و شعبه دانشگاه علوم انسانی مدرن مسکو در دربند، تأسیسات آموزشی مؤسسه بین‌المللی تجارت و مدیریت در دربند، مؤسسه بین‌المللی فضاشناسی کاربردی، آکادمی حقوق و مدیریت مسکو، آکادمی کلاسیک دولتی میموند، دانشگاه دولتی اقتصاد، آمار و فناوری اطلاعات مسکو، و آکادمی آموزش روسیه (Ministry of Education and Science of the Russian Federation, 2016).

جامعه‌ی علمی روسیه به‌خوبی از لزوم رقابت با آمریکا در حوزه قدرت نرم آگاه است و به شیوه‌ها و ابزارهای آن می‌اندیشد. روس‌ها بیش از هر چیز به همکاری در زمینه‌های بشردوستانه و آموزشی در سطح دوجانبه و منطقه‌ای امید بسته‌اند. به این منظور پیشنهاد شده است دانشگاه‌های مناطق مختلف روسیه بیشتر در مبادلات آکادمیک فعال شوند و شمار برنامه‌هایی که برای ارتقای منافع روسیه در منطقه طراحی شده است افزایش یابد. دیپلماسی عمومی شوروی در جهت ایجاد تصویر یک قدرت بزرگ سوسیالیستی و رقیب غرب سرمایه‌داری عمل می‌کرد. امروزه نهادهایی مانند جهان روسی می‌خواهند با پیروی از رهبران جهان غرب، با تکیه بر جاذبه‌های زبانی و فرهنگی تصویری مثبت از روسیه بیافرینند. فدراسیون روسیه در رقابت با ایالات متحده حتی می‌کوشد ایده‌ها و ارزش‌های جهانشمول و جذابی به مخاطبان خارجی ارائه کند. تصویر مثبت روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز به دوره شوروی بر می‌گردد. ایده مسکو به عنوان مرکز کارآمد قدرت و عدالت در خودآگاه جمعی بازتولید شده و از طریق خانواده‌ها و سایر کانال‌های غیررسمی به نسل‌های بعد منتقل شده است (Fominykh, 2010: 73-7). بنابراین روسیه به هیچ‌وجه به قدرت نرم بی‌اعتنا نیست. رژیم پوتین، روسیه را قطب آترناتیو ژئوپلیتیک با چشم‌انداز اجتماعی ضدلیبرال می‌داند که نوعی «بین‌الملل محافظه‌کار»^۱ در مقابل غرب به‌شمار می‌رود. ابزارهای قدرت

^۱. Conservative International

نرم کرملین در برگیرنده برنامه‌های زبانی و فرهنگی، اعطای بورس به دانشجویان خارجی، رسانه‌های مجهز، مسیحیت اورتدوکس و لغو لزوم اخذ روادید برای شهروندان کشورهای همسایه است. جذابیت در سطح بین‌المللی از ارزشهای سیاسی ناشی می‌شود. روسیه تلاش می‌کند روایت بدیلی در مقابل غرب ارائه دهد. این دیدگاه بر چند جنبه‌گرایی مبتنی است و از ارزشهای محافظه‌کارانه (ضدلیبرال) دفاع می‌کند. (Tafuro, 2014: 1)

ایالات متحده نیز به‌عنوان یکی از سرآمدان قدرت نرم و دیپلماسی علمی، در حوزه پیشین شوری نیز به هیچ‌وجه از بهره‌برداری از ابزار دیپلماسی عمومی و دیپلماسی علمی در جهت افزایش نفوذ خود غافل نیست. آمریکا مراکز آموزشی و اطلاع‌رسانی پیشرفته‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز دارد. مهم‌ترین آنها «گوشه‌های آمریکایی»^۱ هستند که نخستین بار در دهه ۱۹۹۰ در روسیه شکل گرفتند و در سال ۲۰۰۲ دفتر روابط عمومی دولت آمریکا تصمیم گرفت آنها را در جمهوری‌های سابق شوروی، اروپای شرقی، مرکزی و جنوب شرقی و خاورمیانه و نزدیک دایر کند. وظیفه این نهادها ترویج آگاهی درباره سیاست خارجی آمریکا، سبک زندگی آمریکایی، کار و تحصیل در آمریکا است. شبکه‌های دیگری مانند شوراهای آمریکایی آموزش بین‌الملل با هزینه دولت آمریکا، برنامه‌های تبادل دانشجو را سازمان می‌دهند. (Fominykh, 2010: 69-72) بخش روابط عمومی سفارت آمریکا در جمهوری آذربایجان در جهت افزایش درک متقابل بین ایالات متحده و جمهوری آذربایجان از طریق برنامه‌های آموزشی بین‌المللی و تبادل دانشجو و دانش‌آموز عمل می‌کند. این برنامه‌ها پیوندهای شخصی، حرفه‌ای و نهادی را بین شهروندان و سازمان‌های آمریکایی و خارجی ارتقا می‌دهند. علاوه بر اعزام دانشگاهیان و محققان آمریکایی به جمهوری آذربایجان، وزارت خارجه آمریکا هر سال در قالب برنامه‌های متنوع، دانش‌آموزان، مدرسان و صاحبان مشاغل آذربایجانی را به ایالات متحده می‌فرستد. برنامه‌های فرهنگی گوناگون و برنامه‌های آموزش زبان از جمله این برنامه‌ها هستند. مراکز آمریکایی در جمهوری آذربایجان که با سفارت آمریکا و نهادهای کشور میزبان همکاری می‌کنند، برای عموم مردم امکان دسترسی به اطلاعات مطمئن و جدید درباره ایالات متحده را از طریق کتاب، اینترنت و برنامه‌های محلی فراهم می‌کنند. بزرگترین مرکز آمریکایی در جمهوری آذربایجان در باکو قرار دارد. پنج مرکز آمریکایی در مناطق دیگر هم اکنون منتظر تأیید دولت هستند. مرکز آمریکایی باکو مقصد اصلی کسانی است که درباره

۱. American Corners

آمریکا کنجکاو هستند. این مرکز کتابخانه‌ای به سبک آمریکایی با ذخیره‌ای غنی از کتابها و مجلات آمریکایی دارد (Embassy of the United States in Baku, 2016).

قدرت منطقه‌ای فعال در حوزه قفقاز ترکیه است. محدودیت‌های ترکیه در حوزه‌های قدرت سخت^۱ و مسایل امنیتی، این کشور را به سمت تلاش برای ایجاد قدرت نرم^۲ در منطقه سوق داده است. (Jackson, 2011: 89). هدف سیاستمدارانی که فعالیت‌های آموزشی ترکیه را در جمهوری‌های ترک‌زبان آغاز کردند و توسعه دادند، پرورش نسل جدیدی بود که به زبان و فرهنگ ترکی مسلط باشد و این کشورها را به ترکیه نزدیکتر کند. همکاری آموزشی میان ترکیه و کشورهای ترک‌زبان به دو طریق اعطای بورس به دانش‌آموزان و دانشجویان منطقه برای تحصیل در ترکیه و تأسیس مدرسه و دانشگاه در این کشورها آغاز شد. نهادهای آموزشی از سوی دولت و بخش خصوصی ترکیه تأسیس می‌شدند. اعطای بورس به دانشجویان زیر پوشش «برنامه بزرگ تبادل دانشجویی»^۳ انجام می‌شد. برنامه تبادل دانشجویی، این اهداف را دنبال می‌کرد: ارتقای سطح آموزشی کشورها و جوامع ترک‌زبان، تربیت نسل جدیدی که با فرهنگ ترکی آشنا و به آن علاقمند باشند، تأمین نیاز جمهوری‌ها و جوامع ترک‌زبان به نیروی انسانی آموزش دیده و ایجاد پیوند دائمی برادری و دوستی در جهان ترک‌زبان. (Akcali & Demir, 2012: 12 & 13) علاوه بر پذیرش دانشجویی، ترکیه برنامه‌ها و سمینارهای متعددی برای آموزش دیپلمات‌ها، دیوان‌سالاران، مدیران دولتی و بانکداران جمهوری ترک زبان برگزار کرد. اما بخش دوم سیاست‌های آموزشی ترکیه به تأسیس مدرسه و دانشگاه از سوی وزارت آموزش ملی و بخش خصوصی منجر شد (Akcali & Demir, 2012: 13-15). دولت ترکیه که درباره مسائل فرهنگی و هویتی، اغلب مایل به کنترل شدید و انحصارگری بوده است، در زمینه آموزش برون مرزی، موضعش را تعدیل کرد و بخش خصوصی را آزاد گذاشت تا به تأسیس نهادهای آموزشی در آسیای مرکزی و قفقاز بپردازد (Yanik, 2004: 294). در سال تحصیلی ۹۳-۱۹۹۲، دولت ترکیه، ده هزار بورس به دانش‌آموزان و دانشجویان کشورهای ترک و جوامع ترک زبان در سایر کشورها اعطا کرد. اما نزدیک به پنج هزار نفر این دعوت را پذیرفتند. وزارت آموزش ملی ترکیه برای اداره امور مربوط به این برنامه، اداره آموزشی برون-مرزی را در سال ۱۹۹۲ تأسیس کرد. اما به مرور زمان، تعداد دانشجویان به دلیل بروز برخی مشکلات کاهش یافت: میزان کمک دولت ترکیه برای تأمین هزینه‌های

۱. Hard Power

۲. Soft Power

۳. Great Student Exchange Project

این دانشجویان کافی نبود، سیاستگذاران آموزشی ترکیه به گزینش این افراد توجه چندانی نشان می‌دادند و کمیت را بر کیفیت ترجیح می‌دادند، تنش‌های سیاسی میان ترکیه و ازبکستان هم به این مشکلات افزوده شد و از سال ۱۹۹۶، تعداد دانشجویان کاهش یافت. البته وزارت ملی آموزش ترکیه، علت این کاهش را نبود هماهنگی میان نهادهای مسئول خدمت رسانی می‌دانست (Akcali & Demir, 2012:12 & 13). علاوه بر پذیرش دانشجو، ترکیه برنامه‌ها و سمینارهای متعددی برای آموزش دیپلمات‌ها، دیوان‌سالاران‌ها، مدیران دولتی و بانکداران جمهوری ترک زبان برگزار کرد. به عقیده سیاستگذاران آموزشی ترکیه، فعالیت‌های آموزشی، با ارزش‌ترین سرمایه‌گذاری ترکیه در جمهوری‌های آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان است. هر فارغ‌التحصیل می‌تواند یک پل ارتباطی میان ترکیه و کشورش باشد و توان لابی‌گری ترکیه را افزایش دهد (Akcali & Demir, 2012:13-15). مدارس و دانشگاه‌هایی که از سوی بخش خصوصی ایجاد شده‌اند، اغلب وابسته به جنبش گولن و بنیاد تحقیقاتی جهان ترک هستند. جنبش گولن، گرایش‌های اسلامی دارد و بنیاد تحقیقاتی جهان ترک تا حدی تحت تأثیر انگیزه‌های پان‌ترکیستی است (Yanik, 2004: 298 & 299).

با وجود فراز و نشیب‌های بسیار، ترکیه همچنان به اجرای برنامه‌های گوناگون آموزشی ادامه می‌دهد و نخبگان سیاسی هنوز به تأثیر این برنامه‌ها در بلندمدت اعتقاد دارند. در سال تحصیلی ۲۰۱۲-۲۰۱۳ تعداد ۷۳۷۹ دانشجو از جمهوری آذربایجان در ترکیه مشغول به تحصیل بوده‌اند و در واقع جمهوری آذربایجان در صدر فهرست کشورهای قرار دارد که اتباع آنها برای تحصیل به ترکیه می‌روند (Study in Turkey, 2016). پس از کودتای ژوئیه ۲۰۱۶ باکو در همراهی با دولت ترکیه به سرکوب هواداران گولن و تعطیل کردن نهادهای آموزشی وابسته با این جنبش پرداخت. این اقدام می‌تواند به تدریج نفوذ ترکیه را در فضای آموزشی جمهوری آذربایجان دچار فرسایش کند (Institute for War and Peace Reporting, 2016).

کنشگر دیگری که لازم است فعالیت‌هایش در حوزه دیپلماسی علمی مورد توجه مسئولین کشورمان قرار گیرد، اسرائیل است. در سال‌های اخیر دیپلماسی علمی به‌عنوان یکی از ابزارهای دیپلماسی عمومی به‌طور ویژه مورد توجه مسئولین این رژیم قرار گرفته است. اسرائیل برای رسیدن به اهداف خود از نهادهای گوناگون بهره برده است. یکی از سیاست‌های آن برای معرفی خود به جهانیان و به‌ویژه یهودیان ساکن در دیگر کشورها، برگزاری همایش‌های علمی- پژوهشی و تورهای بازدید علمی در سرزمین‌های اشغالی است. این رژیم با استفاده از دیپلماسی علمی سعی

می‌کند خود را به‌عنوان یک حکومت دموکراتیک، صلح‌طلب و توسعه‌یافته به پژوهشگران عربی و غیرعرب معرفی کند.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، اسرائیل با سرعت جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز را به رسمیت شناخت و اقدام به برقراری روابط دیپلماتیک کرد. از هدفهای مهم توجه اسرائیل به این کشورها، رویارویی با حضور مؤثر ایران و کشورهای عربی، خروج از انزوای ژئوپلیتیک، افزایش نفوذ همه‌جانبه در این کشورها، استفاده از فرصتها و موقعیتهای اقتصادی و کسب وجهه بین‌المللی بود. تمایل تل‌آویو به گسترش روابط با استقبال این جمهوری‌ها روبه‌رو شد. زیرا به سرمایه‌گذاری‌ها، فناوری و تجربه‌های اقتصادی آن در روند رشد و توسعه اقتصادی نیاز داشتند (عباسی و موسوی، ۱۳۹۲: ۷۳). اسرائیل به‌خوبی چگونگی بهره‌برداری از دیپلماسی علمی را در جهت پیشبرد سایر اهداف سیاسی و امنیتی خود آموخته است. این ابزار در روابط این کشور با جمهوری آذربایجان نیز نقش سزایی دارد. روابط این دو کشور که اطلاق صفت استراتژیک به آن نیز معمول شده، از اهمیت زیادی برای کشورمان برخوردار است. سرشت روابط امنیتی شده و توأم با سوءظن ایران و جمهوری آذربایجان، حساسیت نزدیکی جمهوری آذربایجان به اسرائیل را برای ایران و منطقه بیشتر می‌کند. نخستین سازمان یهودی در باکو (باشگاه جوانان الف و مرکز فرهنگی یهودیان) در پایان دهه ۱۹۸۰ و هم‌زمان با پرسترویکا در باکو شکل گرفت. تا سال ۱۹۹۶ سازمان‌های یهودی در جمهوری آذربایجان فعالتر شدند. آژانس سُخنوت برای اسرائیل، کمیته مشترک توزیع یهودیان آمریکایی، وادلاتسالا^۱، اجرای برنامه‌های مختلف را آغاز کردند. با سرپرستی کمیته مشترک، یک سازمان خیریه، یک مرکز فرهنگی یهودی، یک باشگاه جوانان و یک مهد کودک تأسیس شد. سُخنوت ۲۲ گروه از برنامه‌های آموزشی در باکو و دیگر شهرهای جمهوری آذربایجان که جمعیت یهودی دارند، شکل داد: در سومگاییت، گنجه، قوبا و آغوز. انتشار چهار روزنامه و بولتن خبری یهودی هم در باکو آغاز شد (Guseinov, 2008: 43). یکی از علایق اسرائیل در روابط با جمهوری آذربایجان، وجود یهودیان این کشور است. در واقع جامعه یهودیان در جمهوری آذربایجان گروهی بسیار قدرتمند محسوب می‌شوند که در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نفوذ کرده‌اند و موقعیت اسرائیل را در این کشور تثبیت می‌کنند (ابراهیمی، ابراهیمی و شاه‌قلعه، ۱۳۹۳: ۲۰۶). به باور مقام‌های جمهوری آذربایجان، توسعه همکاری با اسرائیل در زمینه کشاورزی، فناوری، پزشکی، حفاظت از محیط زیست، آموزش و ارتباطات، با جاری کردن سرمایه و فناوری

^۱. Waad le-Atsala

سطح بالا به بخش‌های مختلف اقتصادی، منافع این کشور را تأمین می‌کند. یکی از اولویت‌های «برنامه دولتی توسعه اجتماعی-اقتصادی مناطق جمهوری آذربایجان» توسعه بخش کشاورزی است. اسرائیل به‌عنوان یکی از رهبران جهان در عرصه کشاورزی می‌تواند به کشاورزان آذری کمک کند تا مزارع خصوصی را ایجاد و نگهداری کنند. (Guseinov, 2008: 46-47). همکاری با اسرائیل برای باکو امکان دسترسی و خرید فناوری‌های جدید نظامی را فراهم کرده است که به دلیل نفوذ لابی ارامنه و تحریم‌ها، تهیه آنها از دیگر کشورهای غربی برای جمهوری آذربایجان دشوارتر است (Souleimanov, Ehrmann & Aliyev, 2014: 478-480).

از نظر اتحادیه اروپا نیز کمک به اصلاح و ارتقای نظام آموزشی جمهوری آذربایجان در جهت رساندن آن به استاندارد اتحاد اروپا و حمایت از برنامه‌های تبادل دانشجو، نقش اساسی در پی‌ریزی توسعه دموکراتیک، ثبات و رقابت اقتصادی در این کشور خواهد داشت و حمایت از همکاری علمی و فنی از جهت سهمی که در توسعه اقتصادی پایدار جمهوری آذربایجان می‌تواند داشته باشد، مهم است. بنابراین، کشورهای اتحاد اروپا، فرصتهای زیادی برای مشارکت شهروندان جمهوری آذربایجان در برنامه‌هایی مانند اراسموس موندوس فراهم می‌کنند (European Neighbourhood and Partnership Instrument, 2013: 23).

پس از فروپاشی شوروی، جمهوری آذربایجان با انتقال جریان‌های سلفی از چین و داغستان روبه‌رو شد. اما با فعالیت‌های تبلیغی کشورهای خلیج فارس تا سال ۲۰۰۳ در باکو ۶۵ مسجد به کنترل سلفی‌ها درآمد. یکی از مهم‌ترین کانون‌های سلفی‌گری، مسجد ابوبکر باکو بود که امام جماعت آن، دانش آموخته دانشگاه مدینه بود. خود این مسجد در سال ۱۹۹۷ به عنوان شعبه جامعه احیای میراث اسلامی کویت تأسیس شد (Valiyev, July 2005). فعالیت‌های تبلیغی و منابع مالی که منشأ خارجی دارند (به‌ویژه از سازمان‌های سعودی) نقش مهمی در رشد سلفی‌گری در جمهوری آذربایجان دارند. یکی از سازمان‌های سعودی به نام «جماعت سلفی» در بین اقلیت‌های سنی در شمال جمهوری آذربایجان نفوذ زیادی دارد (Souleimanov & Ehrmann, 2013).

بنابراین جمهوری اسلامی در منطقه قفقاز و به‌ویژه در جمهوری آذربایجان که به دلیل پیوندهای فرهنگی، زبانی و مذهبی انتظار می‌رود کارنامه بهتری در عرصه همکاری علمی با آن داشته باشد، به گونه جدی با رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای روبه‌رو است. شاید همکاری جمهوری آذربایجان با بسیاری از این کشورها به‌ویژه در نخستین سال‌های پس از فروپاشی، برخاسته از نیازهای فوری اقتصادی و فنی و نه ملاحظات سیاسی بوده باشد. در واقع، فقط نزدیکی فرهنگی و مذهبی و جغرافیایی سبب نمی‌شوند همسایگان، پیشنهادها و برنامه‌های عمل‌گرایانه دیگر کشورها

را رد کنند و برای رفع نیازهای خود منتظر ابتکار ایران بمانند. رقبای کشورمان به تربیت متخصص در رشته‌های مختلف (به‌ویژه اقتصاد و مدیریت) برای جمهوری‌های پیشین شوروی مبادرت ورزیده‌اند تا تداوم نقش و تأمین منافع خود را در آینده این کشورها تضمین کنند.

نتیجه‌گیری

در حالی‌که تنش‌های سیاسی و فرهنگی در سراسر جهان در حال افزایش است، به نظر می‌رسد دیپلماسی سنتی، قدرت نظامی و ابزارهای اقتصادی برای رویارویی با آنها ناکافی باشند. چنان‌که ملاحظه شد تاکنون بهره‌برداری از «دیپلماسی علمی» در جهت تسهیل روابط سیاسی ایران، تاکنون به‌طور جدی در دستور کار سیاست خارجی کشور قرار نداشته است. به ظرفیت‌های علمی و فنی کشور در جهت پیشبرد اهداف سیاست خارجی و تحقق منافع ملی در رابطه با جمهوری آذربایجان هم توجه مناسب نشده است. در حالی‌که در شرایط کنونی با توجه به فراهم شدن زمینه کاهش فشارهای بین‌المللی بر ایران، متوسل شدن به ابزار دیپلماسی علمی در رابطه با کشورهای همجوار نیز می‌تواند امکان بهره‌برداری گسترده‌تر از مزایای ناشی از موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیکی ایران را فراهم کند. متأسفانه، همکاری‌های علمی ایران با جمهوری آذربایجان در مقایسه با رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و دستگاه‌های مسئول نتوانسته‌اند دیپلماسی علمی در خور یک قدرت منطقه‌ای را در قفقاز جنوبی و به‌ویژه در رابطه با جمهوری آذربایجان سازمان دهند. در نتیجه، نزدیکی زبانی و فرهنگی و مذهبی، همان‌گونه که در روابط سیاسی تنش‌زا بوده است، در حوزه ملایم همکاری‌های علمی هم بی‌ثمر مانده و به گونه شایسته مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. در حالی‌که همکاری‌های علمی در سطوح مختلف می‌تواند تنش‌های سیاسی را هم تخفیف دهند. چنان‌که اشاره شد اسرائیل در رابطه با کشورهای عربی به این موضوع توجه ویژه داشته است. در جمهوری آذربایجان نیز یکی از مهمترین کانال‌های حضور و نفوذ اسرائیل، همکاری‌های علمی و فنی است. وابستگی جمهوری آذربایجان به اسرائیل در زمینه فنی در حال افزایش است و می‌دانیم که این نزدیکی و وابستگی فزاینده در جلوگیری از تحقق ظرفیت موجود در روابط ایران و این همسایه شمالی نقش خواهد داشت. در واقع، روابط ایران و جمهوری آذربایجان هرگز از تأثیرپذیری از کشور ثالث (آمریکا، روسیه و اسرائیل) مصون نبوده است. در ایران تاکنون سیاست منسجمی در جهت گسترش همکاری‌های علمی با کشورهای قفقاز جنوبی و جذب و آموزش محققان و دانشجویان این کشورها شکل نگرفته است. در حالی‌که رقبای منطقه‌ای

و جهانی ما، هر کدام اهداف بلندمدت تر اقتصادی، سیاسی و امنیتی را با طراحی دقیق دیپلماسی علمی خود دنبال می‌کنند. در رابطه با جمهوری آذربایجان به جای بهره‌برداری از دیپلماسی علمی در جهت تنش‌زدایی پایدار از روابط و ایجاد درک متقابل بهتر، همکاری‌های علمی تابع ملاحظات سیاسی شده و به قدر کافی مورد توجه قرار نگرفته‌اند. این در حالی است که توانمندی‌های کشورمان در بسیاری از زمینه‌های علمی و فنی در سطحی بسیار بالاتر از این همسایه شمالی قرار دارد و برای جمهوری آذربایجان نیز تأمین نیازهای فنی‌اش از ایران مقرون به صرفه‌تر خواهد بود. دانشگاه‌های استانهای همجوار این جمهوری که در حال حاضر توافقی‌هایی نیز با طرف آذری روی کاغذ دارند می‌توانند نقش مؤثری در این زمینه ایفا کنند. برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه مدت برای متخصصین آذری در رشته‌های مختلف و راه‌اندازی مدارس تابستانی برای دانش‌آموزان و دانشجویان و فراهم کردن فرصت‌های مطالعاتی برای دانشجویان این کشور باید به شکل جدی در دستور کار نهادهای ایرانی قرار بگیرد. همکاری و هماهنگی وزارت علوم، وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و ارشاد با دستگاه سیاست خارجی در این راستا ضروری است. با شکل گرفتن عزمی جدی به منظور طراحی دقیق و جامع دیپلماسی علمی و اهداف آن، و انعکاس این مسئله در سیاست‌گذاری‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت کشور، می‌توان به ارتقای جایگاه کشور به عنوان یکی از قدرت‌های اصلی منطقه‌ای در قفقاز جنوبی بیشتر امیدوار بود. دیپلماسی علمی از یک سو می‌تواند در خدمت بهبود و ارتقای هر چه بیشتر روابط سیاسی قرار بگیرد و از سوی دیگر با نزدیکی هر چه بیشتر دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان، امکان افزایش همکاری‌های علمی بیشتر فراهم می‌شود و بسیاری از دغدغه‌های مشترک در زمینه‌های محیط‌زیست، بهداشت و درمان، آموزش، و فناوری، به شکلی آسان‌تر، کاراتر و اثربخش‌تری رفع می‌شوند.

منابع

الف) فارسی

۱. ابراهیمی، شهروز، طالب ابراهیمی و صفی‌الله شاه‌قلعه (۱۳۹۳)، «بررسی تأثیرهای ژئوپلیتیکی روابط ترکیه و اسرائیل بر منافع ایران در حوزه خزر»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۷، شماره ۲، صص. ۱۹۵-۲۱۸.
۲. *خبرگزاری جمهوری اسلامی* (۱۳۹۰/۷/۲)، «رییس آکادمی اکو انرژی باکو اهتمام ایران به دانش را ستود»، <<http://www.irna.ir/fa/NewsPrint.aspx?ID=2000136839>> (تاریخ دسترسی: مرداد ۱۳۹۵)

۳. *خبرگزاری جمهوری اسلامی* (۱۳۹۴/۱۲/۱۹)، «قدردانی دانشگاه علوم پزشکی جمهوری‌آذربایجان از دانشجویان ایرانی»، <http://www7.irna.ir/fa/News/81997007/> (تاریخ دسترسی: مرداد ۱۳۹۵)
۴. *خبرگزاری فارس* (۱۳۹۵/۶/۷)، «دیپلماسی علمی رژیم صهیونیستی، ابزار و اهداف»، <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13950606001780> (تاریخ دسترسی: شهریور ۱۳۹۵).
۵. *دیپلماسی علم و فناوری* (۱۳۹۳/۱۲/۵)، <http://www.techdiplomacy.ir> (تاریخ دسترسی: مرداد ۱۳۹۵)
۶. *سایت جامعه‌المصطفی* (۱۳۹۳/۴/۲۹)، «گزارشی از اقدامات نمایندگی المصطفی در جمهوری آذربایجان»، <http://miu.ac.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=161&newsview=52121> (تاریخ دسترسی: مرداد ۱۳۹۵)
۷. *سایت خبری-تحلیلی قفقاز* (۱۳۹۲/۸/۳۰)، «امضای توافق نامه همکاری بین دانشگاه علوم پزشکی تهران و دانشگاه طب جمهوری آذربایجان»، <http://qafqaz.ir/fa/?p=4242> (تاریخ دسترسی: مرداد ۱۳۹۵)
۸. عباسی، مجید و سید محمدرضا موسوی (۱۳۹۲)، «روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۶، شماره ۲، صص. ۶۱-۸۰.
۹. عطایی، فرهاد (۱۳۹۱)، «ایران و کشورهای قفقاز جنوبی»، *مطالعات آسیای مرکزی*، سال پنجم، شماره ۱۰، صص. ۱۱۹-۱۳۶.
۱۰. کولایی، الهه (۱۳۸۹)، *سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۱۱. کولایی، الهه (۱۳۸۹)، «جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال ششم، شماره اول، صص. ۷۵-۱۱۱.
۱۲. کولایی، الهه و شیوا علی‌زاده (۱۳۹۵)، *جستارهایی پیرامون مسائل دریای خزر*، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۱۳. مهدی‌اف، رامیز (۱۳۹۰)، *جمهوری آذربایجان: مطالبات دوران جهانی شدن*، ترجمه رضا جلیلی‌نیا و رعنا فرامرزی، قم: انتشارات نوید اسلام.

ب) انگلیسی

1. Alili, Ahmad (2015), "Azerbaijan and Iran after the Sanctions: The Pathways of Advanced Engagement and Confrontation", <http://www.cesd.az/new/wp-content/uploads/2016/01/Azerbaijan-and-Iran-after-the-Sanctions.pdf> (Accessed on: Aug. 2016).

2. **Caucasus University Association**, <http://www.kunib.com/> (Accessed on: Aug. 2016).
3. **Committee on Global Science Policy and Science Diplomacy; National Research Council** (2011), "U.S. and International Perspectives on Global Science Policy and Science Diplomacy: Report of a Workshop", available at:< http://www.nap.edu/catalog.php?record_id=13300>
4. Demir, Cennet Engine & Co-authors (2000) "The role of Turkish schools in the educational system and social transformation of Central Asian countries: the case of Turkmenistan and Kyrgyzstan", **Central Asian Survey**, Vol. 19, No. 1, pp. 141-155.
5. **Embassy of the United States in Baku** (2016), < <https://azerbaijan.usembassy.gov/index.html>> (Accessed on: Oct. 2016).
6. **European Neighbourhood and Partnership Instrument** (2013), "Azerbaijan: Country Strategy Paper 2007-2013", < eeas.europa.eu/enp/pdf/pdf/country/enpi_csp_azerbaijan_en.pdf>
7. Fedoroff, Nina V (Jan. 2009), "Science Diplomacy in the 21st Century", **Cell**, No. 136, pp. 9-11, available at:< http://ac.els-cdn.com/S009286740801636X/1-s2.0-S009286740801636X-main.pdf?_tid=7c779268-4a26-11e5-877a-00000aacb35f&acdnat=1440396666_eeba8e016def0ae68fd72995865769c2>
8. Flink, Tim & Ulrich Schreiterer (2010), "Science Diplomacy at the Intersection of S & T Policies and Foreign Affairs: toward a typology of national approaches", **Science and Public Policy**, Vol. 37, No. 9, pp. 665-677.
9. Fominykh, Alexey (2010), "Projecting Soft Power: American and Russian Public Diplomacy in Post-Soviet Central Asia", **Central Asia and the Caucasus**, Vol. 11, Issue 3, pp. 66-77.
10. Guseinov, Rashad (2008), "The Main Development Trends in Bilateral Relations between Azerbaijan and Israel", **The Caucasus and Globalization**, Vol. 2, Issue 1, pp. 41-48.
11. Jackson, Alexander (2011), "The Limits of Good Intentions: The Caucasus as a Test Case for Turkish Foreign Policy", **Turkish Policy Quarterly**, Vol. 9, No. 4.
12. Koolae, Elaheh & Mohammad Hossein Hafezian (2010), "The Islamic Republic of Iran and the South Caucasus Republics", **Iranian Studies**, Vol. 43, No. 3, pp. 391-409.
13. **Institute for War and Peace Reporting** (9/2/2016), "Azerbaijan Continues Anti-Gulen Campaign", < <https://iwpr.net/global-voices/azerbaijan-continues-anti-gulen-campaign>>
14. Ismailzadeh, Fariz (Feb. 2016), "A Breakthrough in Iran-Azerbaijan Relations", <http://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13330-a-breakthrough-in-iran-azerbaijan-relations?.html> (Accessed on: Aug. 2016).
15. Marquardt, Kyle L. (2011), "Framing Language Policy in Post-Soviet Azerbaijan: Political Symbolism and Interethnic Harmony", **Central Asian Survey**, Vol. 30, No. 2, pp. 181-196.
16. Melissen, Jan (2005), **The New Public Diplomacy**, New York: PalgraveMacmillan.

17. **Ministry of Education and Science of the Russian Federation** (2016), " CIS Branches of the Russian Higher Educational Institutions", < <http://en.russia.edu.ru/zvuz/1067/>> (Accessed on: Oct. 2016).
18. Motika, Raoul (2001), "Islam in Post-Soviet Azerbaijan", *Archives de Sciences Sociales des Religions*, Vol. 46, No. 115, pp. 111-124.
19. Nye, Joseph S. (2004), *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, New York: Public Affairs.
20. Peter Berg, Lutz (2010), "Science Diplomacy Networks", *Politorbis*, Vol. 49, No. 2, pp. 70-74.
21. **The Royal Society** (Jan. 2010), "The New Frontiers in Science Diplomacy", available at: < <https://royalsociety.org/policy/publications/2010/new-frontiers-science-diplomacy>>
22. Tokluoglu, Ceylan (2005), "Definitions of National Identity, Nationalism and Ethnicity in Post-Soviet Azerbaijan in the 1990s", *Ethnic and Racial Studies*, Vol. 28, No. 4, pp. 722-758.
23. Turekian, Vaughan C. & Norman P. Neureiter (March 2012), "Science and Diplomacy: The Past as Prologue," *Science & Diplomacy*, Vol. 1, No. 1, available at: <http://www.sciencediplomacy.org/editorial/2012/science-and-diplomacy>
24. Turekian, Vaughan C. (2012), "Building a National Science Diplomacy System", *Science & Diplomacy*, Vol. 1, No. 4, < <http://www.sciencediplomacy.org/editorial/2014/educating-for-science-diplomacy>>
25. Turekian, Vaughan C. & Tom C. Wang (March 2014), "Educating for Science Diplomacy" *Science & Diplomacy*, Vol. 3, No. 1, available at: <http://www.sciencediplomacy.org/editorial/2012/science-and-diplomacy>
26. **Study in Turkey** (2016), "International Students Mobility Statistics", < http://www.studyinturkey.com/content/sub/mobility_statistic.aspx (Accessed on: Sep. 2016).
27. Emil Souleimanov & Maya Ehrmann (2013), "The Rise of Militant Salafism in Azerbaijan and its Regional Implications", *Middle East Policy Council*, < <http://www.mepc.org/journal/middle-east-policy-archives/rise-militant-salafism-azerbaijan-and-its-regional-implications>>
28. Souleimanov, Emil, Maya Ehrmann & Huseyn Aliyev (2014), "Focused on Iran? Exploring the rationale behind the strategic relationship between Azerbaijan and Israel", *Southeast European and Black Sea Studies*, Vol. 14, No.4, pp. 471-488.
29. Tafuro, Eleonora (2014), "Fatal Attraction? Russia's Soft Power in its Neighbourhood-Analysis", *Eurasia Review*, <http://www.eurasiareview.com/29052014-fatal-attraction-russias-soft-power-neighbourhood-analysis/>
30. Valiyev, Anar (July 2005), "The Rise of Salafi Islam in Azerbaijan", *The Jamestown Foundation*, < <https://jamestown.org/program/the-rise-of-salafi-islam-in-azerbaijan/>>
31. Wagner, Caroline S. & Co-Authors (2001), "Science and Technology Collaboration: Building Capacity in Developing Countries", *Rand*, Science and Technology Policy Institute.

32. Yanik, Lerna K.(2004),”The Politics of Educational Exchange:Turkish Education in Eurasia”, *Europe-Asia Studies*,Vol. 56, No. 2.
33. Zewail, Ahmed H. (2010), “Science in Diplomacy”, *Cell*, Vol. 141, No. 2, pp. 204-207.